



ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ کوزه فقاع: تقسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی
- ◆ ملاحظاتی درباره هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان
- ◆ هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین
- ◆ شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان
- ◆ بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی
- ◆ اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دبهیم‌ستانی اردشیر دوم در تاق بستان

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ |

| شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

ا صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

امدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دیهیم‌ستانی اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) در تاق بستان
۴ برونو اورلت، ترجمه سجاد بهرامیان
- ملاحظات دربارۀ هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان ا متتو کمپارتی، ترجمه شاهین آریامنش
۲۰
- شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان ا علی نوراللهی
۳۴
- کوزۀ فقاغ: تفسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی استفان پرادینس، ترجمه محسن سعادت
۶۴
- بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی ا محمد فرجامی، علی اصغر
۷۴ محمودی‌نسب
- هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین ا علی اصغر محمودی‌نسب، اسماعیل
معروفی اقدم

درگذشتگان

- ۱۲۰ رابرت دایسن ... آرشاک ایروانیان

پیشخوان

- ۱۲۱ افول و سقوط شاهنشاهی ساسانی و ... آرشاک ایروانیان

گزارش

- ۱۲۵ نکوداشت استاد رضا مستوفی فرد آرشاک ایروانیان
- نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، برهمکنش‌های فرهنگی، پیوست و
گسست
۱۳۱
- هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران
۱۳۶
- بیانیه جامعه باستان‌شناسی ایران درباره نصب دوربین‌های مدار بسته در محل کار کارشناسان باستان‌شناسی
۱۴۲



اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دیهیم‌ستانی اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) در تاق بستان*

برونو اورلت

ترجمه سجاد بهرامیان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران

چکیده

سنگ‌نگاره تاق بستان ۱، اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) را در حالی نشان می‌دهد که حلقهٔ ربان‌داری را از شخصی می‌ستاند که معمولاً اهوره مزدا یا شاپور دوم معرفی می‌شود. در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که این تصویر، ترکیبی عامدانه از هر دو شخصیت است که پس از مرگ شاپور دوم به نگاره درآمده است. سنگ‌نگاره، پس از ایوان کوچک‌تر که در آن اردشیر دوم و شاپور دوم در قامت شاهنشاه ملبس شده‌اند، به تصویر کشیده شده است.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، شاپور دوم، اردشیر دوم، سنگ‌نگاره، تاق بستان

است (Fukai, Sugiyama, Kimata & Tanabe 1983: Pl. XXV-XXVII. / Fukai, Horiuchi, Tanabe & Domyo 1984: 153-160 / Fukai & Horiuchi 1972: Pl. LXXIV-XCII).

در این مکان سه سنگ‌نگاره وجود دارد که هر سه در پای کوه و نزدیک چندین چشمه به تصویر درآمدند. سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ مستقیماً بر صخره به نگاره درآمده و مجلس

تاق بستان در نزدیکی کرمانشاه (N - 47°07'55.67" E "15.15'34°23) در یکی از مسیرهای اصلی رشته کوه زاگرس واقع شده است و از این حیث، این مکان مورد توجه مستمر سیاحان و باستان‌شناسان واقع شده است (نک: Tanabe 1984). کامل‌ترین مستندات، از جمله عکس، طرح و نقشه‌برداری از راه عکس‌برداری هوایی توسط مؤسسه شرقی‌شناسی دانشگاه توکیو جمع‌آوری شده

* این مقاله برگردانی است از:

Overlaet, Bruno, 2011, "Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II, *Iranica Antiqua*, XLVII: 133-151

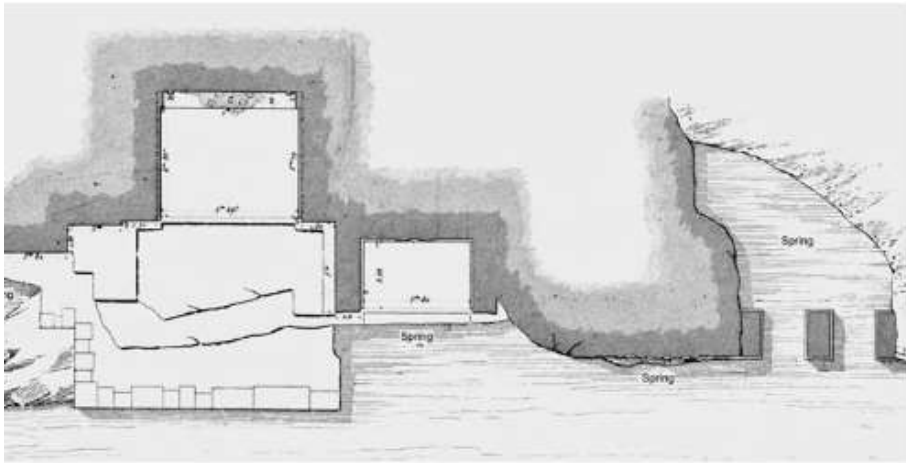


تصویر ۱. وضعیت فعلی سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ با بتن محافظ در قسمت فوقانی آن (نگارنده؛ ۲۰۰۶/۱۱)

دیپیم‌ستانی اردشیر دوم را نشان می‌دهد. دو سنگ‌نگاره دیگر، در ایوان‌های حجاری شده به تصویر درآمدند. در ایوان کوچک، در کنار صحنه دیپیم‌ستانی، دو شاهنشاه درحالی به تصویر کشیده شده‌اند که توسط سنگ‌نشته‌هایی هویت آنها به‌عنوان شاپور دوم و سوم مشخص شده است، اما اخیراً به‌عنوان اردشیر دوم و شاپور دوم شناخته شده‌اند (Overlaet 2011). ایوان دیگر که بعدها حجاری شده، بزرگ‌تر و پر زرق و برق‌تر زین شده است و به دوره سلطنت خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م) اختصاص دارد.

معرفی شاهنشاهان در ایوان کوچک‌تر به‌عنوان شاپور دوم و اردشیر دوم سؤالاتی را درباره اهمیت و تاریخ صحنه دیپیم‌ستانی اردشیر در سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ در ذهن می‌پروراند. نگارنده در پژوهش حاضر تفسیرهای متداول را ارزیابی کرده و دیدگاه دیگری ارائه می‌دهد.

امروزه، بازدیدکنندگان می‌توانند به‌سادگی در امتداد سنگ‌نگاره‌ها و داخل ایوان‌ها قدم بزنند اما این موضوع در گذشته بسیار متفاوت بود. هنگامی که سیاحان فرانسوی فلاندن و کوست اولین طرح‌های جزئی تاق بستان را در سال ۱۸۴۰ میلادی ترسیم کردند، در کنار سنگ‌نگاره‌ها چندین چشمه و یک نهر وجود داشت (Flandin 1851: 433-448). یکی از این چشمه‌ها مستقیماً در زیر سنگ‌نگاره اردشیر دوم قرار داشت (شکل ۲، طرح ۳؛ Flandin 1843-54: 5-6 & Coste, 1843-54: 5-6). بعداً، بعضی از چشمه‌ها و همچنین مسیر آب هنگامی که شاهزاده قاجار امام قلی میرزا، نوه فتحعلی شاه و فرماندار کرمانشاه (۱۸۵۱-۱۸۷۲) کاخ کوچکی را در کنار سنگ‌نگاره‌ها بنا کرد، مسدود شدند (نک: Lushey 1979). چشمه اصلی (پشت پل، سمت راست سنگ‌نگاره‌ها در شکل



تصویر ۲. محوطه تاق بستان با چشمه‌های اطراف آن در سال ۱۸۴۰ م که توسط پ. کوست ترسیم شده‌اند (Flan- din & Coste 1843-54: Pl. 2-3)

زیاد این سنگ‌نگاره‌ها به نوعی در ارتباط با این چشمه‌ها بودند.

سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ در یک نمای مستطیل شکل در ابعاد ۴/۶۰ در ۳/۴۴ متر ترسیم شده است. بخشی از تخته‌سنگ جلوی نگاره مسطح شده است تا نوعی سکوی کوچک و ظریف به چشم آید (طرح ۳ و ۴). در طرح ۴ خطوط موازی مغار به خوبی قابل مشاهده است.

این «سکو» ممکن است بخشی از یک سکوی بزرگ‌تر یا تراس بزرگ باشد. اگرچه اندازه‌گیری دقیق این سکو برای ما امکان‌پذیر نیست، اما با

(۲) توسط کاخ وی پوشانده شده؛ اما تا حدی قابل مشاهده است. با وجود این، محوطه جلوی سه سنگ‌نگاره، بالا آمده و سپس سنگ فرش شده است. در نتیجه، چشمه‌های جلوی ایوان کوچک و صحنه دیهیم‌ستانی اردشیر دوم مسدود شده است (طرح ۲). این کاخ قاجاری در سال ۱۹۶۳ تخریب شد اما سنگ فرش جلوی سنگ‌نگاره‌ها محفوظ ماند.

اگرچه نمی‌توان نتیجه گرفت که جریان آب و موقعیت چشمه‌ها در زمان ساخت سنگ‌نگاره‌ها یکسان بوده است، اما به نظر می‌رسد به احتمال

قضاوت براساس طرح‌های فلاندن و کوست، می‌توان گفت کم‌وبیش در همان سطح ایوان کوچک‌تر طراحی شده است. هنگامی که در قرن نوزدهم کاخ قاجاری در کنار سنگ‌نگاره ساخته شد، مسیر آبراه تغییر کرد و این محوطه با پیاده‌روی سنگ‌فرش پوشانده شد (طرح ۲). پس از تخریب کاخ قاجاری مجدداً آبراه نمایان شد (طرح ۳ و ۴)، اما اکنون دوباره با سنگ فرش پوشیده شده است (تصویر ۱). کار مرمت سنگ‌نگاره از سال ۱۹۷۰ شروع شد. ترک و حفره‌های موجود در سنگ، با سیمان پر شدند و به‌منظور محافظت از آن در برابر تخریب بیشتر، یک ستون بتونی عظیم در بالای سنگ‌نگاره ساخته شده است (تصویر ۱، طرح ۵).

سنگ‌نگاره از دو بخش تشکیل شده است. قسمت پایین صحنه با برجستگی کم و به سبک خطی ترسیم شد. یک گل نیلوفر آبی و یک امپراتور رومی کشته شده (به طول ۲۰/۲ متر) به تصویر کشیده شده و کل صحنه همچون سکویی سلطنتی ترسیم شده که بر آن سه شخصیت اصلی ایستاده است. بخش فوقانی دربرگیرنده صحنه اصلی است و از هر دو طرف با خطوط عمودی که در انتهای آن امتداد یافت، محدود شده است که نمایانگر ستون‌هایی بر یک پایه مسطح است. سطح سنگ‌نگاره در سمت راست صحنه، کمی بالاتر است که باعث می‌شود این شخص قد بلندتر از دیگران به نظر آید. اما او دقیقاً هم قد با بقیه است. پادشاه در وسط صحنه و شخص اهداکننده دیهیم در سمت راست، هر دو قامتی در اندازه ۲/۵۰ متر دارند. پیکره سوم با ۲/۲۵ متر قد، در قامتی ایستاده (با هاله‌ای از نور بر گرد سرش) و بر یک گل نیلوفر آبی به اندازه ۰/۶۰ متر تجلی پیدا کرده است. پیکره‌ها

به عمق حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر حک شده‌اند (طرح ۵).

فرد ایستاده در سمت راست، یک حلقه روبان را در دست خود نگه داشته و آن را به فرد مقابلش اهدا می‌کند. او یک تونیک تا امتداد زانو، یک بالاپوش، شلوار بلند و کفش که با روبان گره خورده، پوشیده است. همچنین یک تاج کنگره‌دار و دیهیمی با روبان‌های بلند رقصان در هوا بر سر دارد. موهای مجعدش نیز درست بالای تاج قابل مشاهده است. بالای سر او گوی است که با روبان‌های رقصان، گره خورده است. او حلقه شهریاری را در دست راست محکم نگه می‌دارد. فرد به تصویر کشیده شده در وسط صحنه، در حالی آماده گرفتن حلقه است که هنوز دستش باز است. این شخص لباس فاخر سلطنتی ساسانی، ریش منگوله‌دار و گردنبندی با مهره‌های گرد بزرگ دارد. او یک تونیک بلند با سرآستین‌های گرد شده، شلوار و کفش‌هایی که با روبان محکم گره خورده، پوشیده است. وی بالاپوشی ندارد اما روبان‌های بلند با درز جامه‌های سنگین از پشت سرش دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این درز جامه‌ها، حلقه‌هایی است که از طریق آن پارچه کشیده می‌شود. او تنها فردی، از سه شخص ایستاده است که مسلح به تصویر کشیده شده است. کمربند شمشیر به طرز غلیظی با نقوش گل تزیین شده است. غلاف شمشیر به شکل مستطیل ساده‌ای است. او موهای خود را در فرهای کوتاه روی سرش می‌پوشید (سرپوشی ندارد) و در دو قبه مو بزرگ، روی شانه‌هایش ریخته است. قبه مو بالای سرش با یک جواهر مدور (؟) و یک روبان چین‌دار منفک شده است و یک دیهیم ساده که به روبان‌های چین‌دار ختم می‌شود، دور



تصویر ۳. طرح سنگ نگاره ناق بستان ۱ (after Fukai, Sugiyama, Kimata & Tanabe 1983: Pl.) (XXVI)

محافظةت شده است، سه حلقه متصل و زه‌های آن هنوز هم قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد وی صندل‌های چرمی که با بندهایی گره خورده، پوشیده است. امپراتور مغلوب ریش و سبیل دارد و دیهیم منجوق‌زده‌ای بر سر دارد.

پیکره سمت چپ که به‌عنوان ایزد می‌شهره شناخته می‌شود، روی گل نیلوفر آبی ایستاده و با هر دو دست، برسم نگه می‌دارد. به غیر از تاج و گلوبوس، او لباسی مشابه با لباس پیکره سمت راست نگاره بر تن دارد. هاله‌ای از نور در اطراف سر او در حال درخشیدن است.

طبق آیین زرتشتی، این سنگ‌نگاره، نمایانگر افسانه کی‌گشتاسپ بود که پسرش اسپندیار را در حضور زرتشت پیامبر، شهریاری بخشید (Kiyash 1889: 212; Shahbazi 1985:)

سر او گره خورده است.

هر دو فرد دلیرانه بر پیکر امپراتور رومی مقتول ایستاده‌اند. اگرچه قسمت میانی پیکره از بین رفته است، اما به اندازه کافی می‌توان متوجه شد که وی در چهره، لباس و سلاح بسیار متفاوت است. بازوی چپ وی در زیر سرش قرار گرفته است، درحالی‌که بازوی راست - که اکنون عمدتاً از بین رفته است - بر پهلویش افتاده است. جزییات اندک باقی‌مانده نشان می‌دهد که دست او روی قبضه شمشیر یا در نزدیکی آن قرار گرفته است. فقط انتهای غلاف شمشیر با نوک مخصوص قلبی شکل آن (نک: Overlaet 1989) به خوبی حفظ شده است. امپراتور رومی مغلوب، یک تونیک با ساق پوش و یک بالاپوش (پالودامنتوم) بر تن دارد. ساق پای عقب او بازره



تصویر ۴. سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ در کنار کاخ قاجاری و با سنگ فرش جلوی آن (photo: L. Vanden Berghe, 1960's)

182). در نتیجه، هویت مرد برسمدار به الگویی برای تصویرهای متعارف امروزی زرتشت تبدیل شد (Williams Jackson 1899: 288-294, fig. I-III; Justi 1904: 157). با وجود این تفسیرهای دیگری نیز ارائه شد. به عنوان مثال، زنان محلی کرد، از فرد برسمدار به عنوان فرهاد در داستان معروف فرهاد و شیرین یاد کردند (Lushey 1974: 137-138).

سابقاً مطالعه سکه‌های ساسانی باعث شد که بین تاج‌های مختلف سلطنتی تمایز قایل شود و از این طریق بتوان دستور نقر سنگ‌نگاره‌های ساسانی را به شاه خاصی نسبت داد، برای اولین بار از این سنگ‌نگاره به‌عنوان صحنه‌ای یاد شد که اردشیر اول دیهیم سلطنتی را به پسرش شاپور اول اعطا می‌کند. آرایش سر و صورت هر دو شاه روی سنگ‌نگاره، مشابه با وضعیت آنها در سکه‌ها بود و چنین القاء می‌شد که آنها بر پیکره مغلوب شده‌ی اردوان، شاهنشاه اشکانی ایستاده‌اند (Rawlinson 1876: 64-65, fig. n^o. 1; Mordtmann 1880: 22-23). هویت فرد هاله‌دار ایستاده در سمت چپ سنگ‌نگاره، همچنان مورد بحث بود و از او به‌عنوان زرتشت (Flandin 1851: 442-443; Mordtmann 1880: 23) یا اهوره‌مزدا (Rawlinson 1876: 64-65; Herzfeld 1920: 60) یاد می‌شد. فردیناند یوستی اولین کسی بود که با مقایسه چهره او با ایزد میترا در نمرود داغ، به‌درستی از او به‌عنوان ایزد میتره یاد کرد (Justi 1904: 157). گل نیلوفر آبی که بر آن ایستاده است ممکن است عنصری با منشاء هندی باشد که مرتبط با ایزد خورشید است (Tanabe & Domyo 1984: 155).

فردریش زاره نخستین کسی بود که به شباهت بین اهوره‌مزدا در سنگ‌نگاره نقش رستم، با پیکره دارای تاج کنگره‌دار سمت راست تاق بستان اشاره کرد. وی به این نتیجه رسید که این سنگ‌نگاره، صحنه دیهیم‌ستانی اردشیر از اهوره‌مزدا را به تصویر می‌کشد، اما از هویت فرد هاله‌دار به‌عنوان زرتشت یاد کرد (Sarre & Herzfeld 1910: 199-200, Abb. 92-93). چند سال بعد، ارنست هرتسفلد تأکید

کرد که تاج شاهنشاهی متعلق به اردشیر دوم است و نه اردشیر یکم (Herzfeld 1920: 70). هرتسفلد به‌درستی زمان سنگ‌نگاره را به قرن چهارم پیش‌بینی کرد، اما هویت دشمن کشته‌شده را ناشناس گذاشت. این ه. ون شنبک بود که برای اولین بار توانست امپراتوری روم را به‌عنوان یولیانیوس مرتد معرفی کند. هنرمندان سنگ‌تراش ساسانی، به‌منظور آشکار ساختن تصویر کم‌وبیش قابل تشخیصی از امپراتور روم، به‌روشنی از سکه‌های امپراتور روم استفاده کرده بودند (Sellheim 1994). این گزارش برای اولین بار توسط اردمان منتشر شد. اگرچه یولیانیوس در زمان شاهنشاهی شاپور دوم کشته شده بود، اما اردمان بر هویت شاهنشاه به‌عنوان اردشیر دوم تأکید داشت (Erdmann 1948: 86). این موضوع بسته به اینکه شخصیت میانی صحنه، اردشیر دوم یا شاپور دوم باشد، آغازگر دو نظریه در تفسیر سنگ‌نگاره بود.

لئو تروپ لمن چنین استدلال کرد که چون یولیانیوس مرتد در سال ۳۶۳ م، یعنی در زمان سلطنت شاپور دوم کشته شد، این سنگ‌نگاره متعلق به صحنه دیهیم‌ستانی شاپور دوم از اهوره‌مزدا است (Trümpelmann 1975). تفسیر لئو تروپ لمن از این صحنه توسط محققانی چون ا. نیکلسون، گ. آذرپی و ل. واندنبرگ تأیید شده است (Azarpay 1982, Nicholson 1983, Vanden Berghe 1983: 91). تجلی ایزد میتره به‌عنوان نگهبان صلح و پیمان فراملی با جویانوس، جانشین یولیانیوس مرتد، ترسیم شده است (Azarpay 1982). با این حال حضور شاپور دوم در بسیاری از جهات نتوانست متقاعدکننده باشد. نه تنها توضیحی از عدم تاج خاص شاهنشاه ارائه نشد،

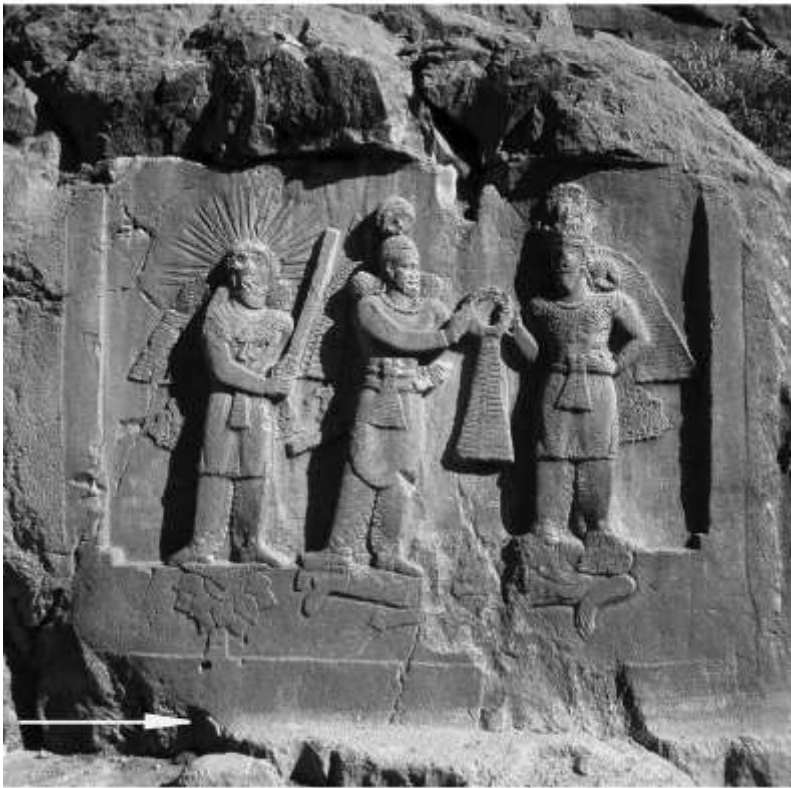
بلکه همچنین تفسیر این امر که چرا نمایش این رویداد خاص تاریخی در سنگ‌نگاره سلطنتی به اندازه کافی مهم است، آورده نشد. پتر کالمایر در تفسیری دیگر بر این باور است که اردشیر دوم، احتمالاً برادر یا برادر ناتنی شاپور دوم، باید به‌عنوان شاه آدیابن از ۳۴۴ تا ۳۷۶ (Schin-) 260: 2004 del) در نبرد با رومیان شرکت کرده باشد. این اردشیر بود که بعداً توسط شاپور دوم به‌عنوان نیابت سلطنت منصوب شد تا اینکه پسرش (شاپور سوم آینده) بتواند این مسئولیت را بر عهده بگیرد. کالمایر از این صحنه، به‌عنوان مراسم دیهیم‌ستانی اردشیر دوم از شاپور دوم عنوان کرد (Calmeyer 1977: 187-188; Abb. 8). او فکر می‌کرد که این صحنه پس از مرگ شاپور دوم به نگاره درآمده است که باید تفاوت در لباس شاپور (بدون ردای سلطنتی) را توجیه کرد. چنین توافق‌نامه‌ای با سوگند مقدس شمرده می‌شد و از آنجا که تجلی ایزد میثرا اساس مهمی در هر مراسم سوگند خوردن بود (Frye 1978: 209; Tanabe 1985: 109; Shah-bazi 1985: 184-185) حضور این ایزد در صحنه منطقی است.

در حال حاضر شخصیت‌های اصلی سنگ‌نگاره با اطمینان شناخته شده‌اند. اردشیر دوم به‌عنوان دیهیم‌ستان، ایزد میثرا به‌عنوان نگهبان پیمان و یولیائوس مرتد به‌عنوان امپراتور رومی مقتول. با این حال، اختلاف نظر دربارهٔ هویت پیکره سمت راست نگاره همچنان باقی مانده است. پیشنهاد کالمایر برای شناسایی وی به‌عنوان شاپور دوم، توسط آذرنوش که سعی در بازسازی زمینهٔ تاریخی نگاره داشت، رد شد تا استدلال کند که این فرد باید اهوره‌مزدا باشد (Azarnoush 1986).

از استدلال‌های نمادین می‌توان برای یکی از این تفسیرها استفاده کرد و ممکن است مجبور شویم که راه‌حل معتبر را برای حل مسئله سنگ‌نگاره امتحان کنیم.

پیامی که این سنگ‌نگاره همراه خود دارد، در وهلهٔ اول مشروعیت حکومت اردشیر دوم بود. اردشیر بدون شک توسط شاپور دوم به دلیل وفاداری و اعتبار (که به احتمال در زمان شکست یولیائوس مرتد نشان داده شده بود) انتخاب شد اما به این پیش شرط که در موعد مقرر، وی قدرت را به شاه بعدی یعنی شاپور سوم واگذار کند. هنرمند عصر ساسانی، باید تمام این عناصر را با هم در شمایل سنگ‌نگاره پدید آورد. مجبور بود مشروعیت وی بر تخت شاهنشاهی را نشان دهد اما در عین حال، باید محدودیت‌هایی را نیز در نظر گرفت که شامل سلطنت وی می‌شد. اردشیر قرار بود مسئول انتقال قدرت بین پدر و پسر و در حکم شخصیتی میانه‌رو باشد تا شاید راهی برای متقاعد کردن برخی از اشراف ساسانی دربارهٔ مسئولیت وی برای احترام به این تشریفات باشد. با این حال، مانند هر بیانیهٔ سیاسی، چیزی بیش از آنکه به چشم می‌آید، وجود دارد.

اردشیر با ایستادن روی پاهای امپراتور مغلوب، پیروزی ساسانیان بر یولیائوس مرتد را نشان داد. در عین حال، هم‌زمان اقتدار و پیروزی شاپور با ایستادن بر روی بالا تنهٔ امپراطور مغلوب، بزرگ شمرده شد. ایزد میثرا که ضامن اجرای پیمان‌ها و سوگندهاست (Shah-bazi 1985: 184-185; Kaim 2009: 410-409) ناظر اعطاء قدرت به ولیعهد است (تصویر ۲). شخصی که اردشیر حلقهٔ شهریاری را از آن دریافت می‌کند (و با او پیمان بست که در موعد مقرر از قدرت منصرف شود) شاپور



تصویر ۵. سکوی جلوی سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ که توسط خط عمودی نشان داده شده است (طرح از فلاندن و کوست ۵۴-۱۸۴۳). پایین: با فلش سفید رنگ نشان داده شده است (عکس: ی. سمکنز؛ بایگانی واندنبرگ، دانشگاه گان، موزه سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل).

دوم بود. وی با تاج و موهای خود در سنگ‌نگاره قابل شناسایی است. اگرچه شبیه تاج کنگره‌ای است که اهوره‌مزدا در دیگر سنگ‌نگاره‌ها بر سر شاپور (Schindel 2004: 225) و نیم‌تنه دارد، اما با افزودن نوار در قسمت انتهایی آن متمایز می‌شود. این ویژگی در برخی از سکه‌های



تصویر ۶. سکوی مقابل سنگ‌نگاره تاق بستان ۱ (عکس: ی. سمکنز؛ بایگانی واندنبرگ، دانشگاه گان، موزه سلطنتی

هنر و تاریخ، بروکسل)

دوم به‌عنوان شاهنشاه پوشیده است، بر تن ندارد. او ریش منگوله‌ای و تاج گوی‌دار ندارد و همچنین مسلح نیست. از این رو، ظاهر کلی او بسیار شبیه به پیکرهٔ اهوره‌مزدا در سنگ‌نگاره‌های نقش رستم ۱، نقش رجب ۱ و بیشاپور است. به‌کارگیری این نمادهای گیج‌کننده به تفسیرهای متفاوتی از سوی پژوهشگران انجامیده است که

گچی یافت‌شده در حاجی‌آباد (Azarnoush) 1984: 232; 1994: 102-105, 108-110, 158, fig. 80-81, 89-91, Pl. VII) مشهود است. درحالی‌که این نکتهٔ جزئی به بیننده اجازه می‌دهد که بلافاصله شاپور دوم را بشناسد، اما آرایش پوشاک شاهنشاه فاقد چنین امری است. شاپور هیچ یک از ردهای سلطنتی را که اردشیر



تصویر ۷. پیکره میثره، اردشیر دوم و اهوره مزدا / شاپور دوم. به حفاظ بتنی در بالا و مرمت سیمانی روی مو، گوی و ... توجه داشته باشید (عکس از نگارنده؛ ۱۱-۲۰۰۶)

از جهات مختلف بررسی کند. به جای معرفی شخص اعطاءکننده دیهیم به عنوان اهوره مزدا یا شاپور دوم، شاید مجبور باشیم این پیکره را به عنوان ترکیب عمدی هر دو شخص در نظر بگیریم. سابقاً دیهیم سلطنتی توسط اهوره مزدا به شاهان اعطا شد، اما در این مورد، نقش شاپور دوم به همان اندازه مهم بود. این انحراف کوتاه از تأیید مشروعیت سلطنتی توسط شاپور انجام شد و حالت موهای فرگونه‌اش زیر تاج وی قابل تشخیص است. باین حال، همه عناصر دیگر نشان می‌دهد که شخص اهداءکننده دیهیم، اهوره مزدا است. به نظر می‌رسد که شناخت دقیق شاپور دوم یا اهوره مزدا در چشم بیننده نهفته است. همان‌طور که سنگ‌نگاره می‌تواند صحنه دیهیم‌بخشی ایزدی باشد، بدون اینکه توهینی آشکارا به هواخواهان شاپور سوم، شاهنشاه آینده

همه سعی در توضیح این حالت منحصر به فرد داشتند. فون‌گال اظهار داشت که دلیل این سنگ‌نگاره، نکوداشتی از شاپور دوم فقید است (Calmeyer 1977: 188 note 137). تانابه در مخالفت با این تفسیر اظهار داشت که شاپور دوم فقید، در ایوان کوچک نیز حضور داشت و در آنجا ردای فاخر سلطنتی بر تن دارد (Tanabe 1985: 106-107). با وجود این معرفی اخیر این دو شاهنشاه به عنوان اردشیر دوم و شاپور دوم به جای شاپور دوم و سوم، این استدلال را نفی می‌کند زیرا شاپور دوم هنگام حجاری ایوان کوچک باید زنده می‌بود (Overlaet 2011).

به کارگیری این نماد گنج‌کننده در واقع ممکن است عمدی بوده باشد. شاید برای این هدف به کار برده باشند که بیننده بتواند سنگ‌نگاره را



تصویر ۸. پیکره ایزد میتره قبل از استفاده از سیمان برای ترمیم ترک و فرورفتگی‌ها (عکس: ی. سمکنز؛ بایگانی واندربرگ، دانشگاه گان، موزه سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل).

باشد. اطلاع دقیق از شرایط به قدرت رسیدن اردشیر دوم به سختی در دسترس است، اما منابع مختلف تاریخی حاکی از درگیری شاهنشاه با اشراف ساسانی هستند (نک: Schindel

260-263: 2004) و این امر نشان می‌دهد که قطعاً حکومت وی مورد تأیید همه نبود. انتخاب اردشیر برای حک سنگ‌نگاره‌ای از خود در نزدیکی کرمانشاه در غرب ایران (بخشی



تصویر ۹. پیکره اردشیر دوم قبل از استفاده از سیمان برای ترمیم ترک و فرورفتگی‌ها (عکس: ی. سمکنز؛ بایگانی وان‌دنیبرگ، دانشگاه گان، موزه سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل).

از پادشاهی سابق وی ادیبان)، و نه در ایالت پارس، ممکن است مرتبط با تردیدهای سیاسی یا مخالفت‌هایی باشد که درباره تاجگذاری او وجود داشت. این ترکیب تمثال شاهانه و ایزدی در هنر سنگ‌تراشی ساسانیان بی‌نظیر است. این مسئله که چنین نمادی در ایالت پارس - به‌عنوان



تصویر ۱۰ پیکرهٔ اهوره مزدا / شاپور دوم قبل از استفاده از سیمان برای ترمیم ترک و فرورفتگی‌ها (عکس: ی. سمکنز؛ بایگانی واندنبرگ، دانشگاه گان، موزه سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل)

قلب شاهنشاهی، که ممکن است پیروان زرتشتی بیشتری داشته باشد- قابل تحمل باشد، همچنان یک سؤال قابل تأمل است.

تاریخ‌های مختلفی برای نقر سنگ نگارهٔ تاق بستان ۱ در نظر گرفته شده است. تانابه براساس ردای شاهنشاهی اردشیر، بر این باور است که

می‌بایست در زمانی دیگر، نقر شده باشد. از آنجا که اردشیر دوم با ردای سلطنتی، گوی و ریش منگوله‌دار به تصویر کشیده شده است، سنگ‌نگاره می‌بایست در بازه زمانی بین سال ۳۷۹ م، یعنی آغاز سلطنت وی و ۳۸۳ لحظه تاج‌گذاری شاپور سوم نقر شده باشد. به تصویر کشیدن صحنهٔ دیهیم‌ستانی از ایزد با تلفیق پیکرهٔ اهوره مزدا و شاپور دوم، می‌تواند آرزوهای اردشیر را برای داشتن قدرت کامل و فراتر از یک شهریاری موقت نشان دهد. تصور ترکیب عامدانه پیکرهٔ شاهنشاه با اهوره مزدا به‌عنوان شکوه دیهیم‌ستانی، تا زمانی که شاپور دوم هنوز زنده بود، سخت دشوار است. این امر نشان می‌دهد که سنگ‌نگارهٔ تاق بستان ۱ باید قبل از ایوان کوچک‌تر و مرگ شاپور دوم در تیسفون در سال ۳۷۹ م حک شده باشد.

سنگ‌نگاره به دستور شاپور دوم نقر شده است و باید در حیات وی، یعنی قبل از سال ۳۷۹ میلادی به پایان رسیده باشد (Tanabe 1985: 105-106). تفسیر دیگری توسط گیتی آذربی ارائه شده است. او براساس ناهنجاری‌های ظاهر سنگ‌نگاره، اظهار داشت که ممکن است طرح کلی این نگاره ابتدا در گچ پیاده شده باشد و در نهایت چند دهه بعد بر سنگ اجرا شده باشد (Azarpay 1982: 187). باین‌حال، این یک نظریهٔ کاملاً فرضی است و هیچ مدرکی دال بر آن نیست.

در مقام مقایسه این سنگ‌نگاره با ایوان کوچک‌تر-هر دو پادشاه دارای ردای سلطنتی مشابه هستند- که نشانگر لحظه‌ای است که شاپور دوم قدرت سلطنت را به اردشیر دوم منتقل کرد، آشکارا پیداست که این سنگ‌نگاره

کتاب‌نامه

- AZARNOUSH, M., 1986. Sâpûr II, Ardasîr II, and Sâpûr III: Another Perspective, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Neue Folge*: 219-247.
- , 1994. *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran, Firenze.*
- AZARPAY, G., 1982. The Role of Mithra in the Investiture and Triumph of Sapur II, *Iranica Antiqua XVII*: 181-187.
- CALMEYER, P., 1977. Vom Reishut zur Kaiserkrone: B. Stand der archäologischen Forschung zu den iranischen Kronen, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Neue Folge* 10: 168-190.
- ERDMANN, K., 1948. Sasanidische Felsreliefs – Römische Historienreliefs, *Antike und Abendland III*: 75-87.
- FLANDIN, EUG. 1851. *Voyage en Perse de MM. Eugène Flandin, peintre, et Pascal Coste, architecte, attachés à l'ambassade de France en Perse pendant les années 1840 et 1841, Tome I, Relation de Voyage, Paris.*
- FLANDIN, EUG. & COSTE, P., 1843-54. *Voyage en Perse de MM. Eugène Flandin, peintre, et Pascal Coste, architecte, attachés à l'ambassade de France en Perse pendant les années 1840 et 1841 - Perse Ancienne - Planches, (6 Vol.), Paris.*
- FRYE, R.N., 1978. Mithra in Iranian Archaeology, *Acta Iranica* 17, Première série IV, *Etudes Mithraïques*: 205-211.
- FUKAI, SH., HORIUCHI, K., 1972. *Taq-i-Bustan II - Plates*, The Institute of Oriental Culture, The University of Tokyo, The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 13, Tokyo.
- FUKAI, SH., SUGIYAMA, J., KIMATA, K., TANABE, K., 1983. *Taq-i-Bustan: III - Photo-grammetric Elevations*, The Institute of Oriental Culture, The University of Tokyo, The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 19, Tokyo.

- FUKAI, SH., HORIUCHI, K., TANABE, K., DOMYO, M., 1984. Taq-i-Bustan: IV – Text, The Institute of Oriental Culture, The University of Tokyo, The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 19, Tokyo.
- HERZFELD, E., 1920. Am Tor von Asien, Berlin.
- JUSTI, F., 1904. The Life and Legend of Zarathustra, Avesta, Pahlavi and Ancient Persian Studies in Honour of Dastur PB Sanjana, Straßburg & Leipzig: 117-158.
- KAIM, B., 2009. Investiture or Mithra. Towards a new Interpretation of so called Investiture Scenes in Parthian and Sasanian Art, *Iranica Antiqua* XLIV: 404-415.
- KIYASH, D.K., 1889: The Ancient Persian Sculptures, Bombay.
- LUSCHEY, H., 1974. Bisutun, Geschichte und Forschungsgeschichte, *Archäologischer Anzeiger* 1974 (1974/75): 114-149.
- , 1979. Das Qadjarische Palais am Taq-i Bostan, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge Band 12: 395-414, Taf. 76-79.
- MORDTMANN, A.D., 1880. Zur Pehlevi-Münzkunde, *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 34: 1-162.
- MOSIG-WALBURG, K., 2000. Zu Spekulationen über den sasanidischen "Thronfolger Narsê" und seine Rolle in den sasanidische-römischen Auseinandersetzungen im zweiten Viertel des 4. Jahrhunderts n. Chr., *Iranica Antiqua* XXXV: 111-157.
- NICHOLSON, O., 1983. Taq-i Bostan, Mithras and Julian the Apostate: an irony, *Iranica Antiqua* XVIII: 177-178.
- OVERLAET, B., 1989. Swords of the Sassanians, notes on scabbard tips, *Archaeologia Iranica et Orientalis Miscelanea in Honorem Louis Vanden Berghe*, (L. De Meyer & E. Haerincq, eds.), Gent: 741-755.
- , 2011. Ardashir II or Shapur III? Reflections on the identity of a king in the smaller grotto at Taq-i Bustan, *Iranica Antiqua* XLVI: 235-250.
- RAWLINSON, G., 1876. The Seventh Great Oriental Monarchy, London.
- SCHINDEL, N., 2004. *Sylloge Nummorum Sasanidarum*, Paris – Berlin – Wien, Band III/1. Shapur II. – Kawad I. /2. Regierung (mit Beiträgen von S. Stanek, R. Linke, M. Schreiner) & Band III/2. Shapur II. – Kawad I. /2. Regierung, Katalog, Wien.
- SARRE, FR. & HERZFELD, E., 1910. *Iranische Felsreliefs, Aufnahmen und Untersuchungen von Denkmälern aus Alt- und Mittel persischer Zeit*, Berlin.
- SELLHEIM, R., 1994. Taq-i Bustan und Kaiser Julian (361-363), *Oriens* 34: 354-366.
- SHAHBAZI, A.SH., 1985. Studies in Sasanian Prosopography - II. The Relief of Ardasir II at Taq-i Bustan, *Archaeologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge 18: 181-185, Taf. 51.
- , 1986. Ardasir II, *Encyclopaedia Iranica* II, fasc. 4: 380-381.
- TANABE, K., 1984. Previous Surveys and Studies at Taq-i Bustan, in: Fukai, Horiuchi, Tanabe & Domyo: 11-19.
- , 1985. Date and Significance of the so-called Investiture of Ardashir II and the Images of Shapur II and III at Taq-i Bustan, *Oriens* XXI: 102-121.
- TANABE, K. & DOMYO, M., 1984. Investiture of Ardashir II, Taq-i Bustan IV. Text: The Institute of Oriental Culture, The University of Tokyo, The Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition, Report 20, Tokyo: 153-160.
- TRÜMPPELMANN, L., 1975. Triumph über Julian Apostata, *Jahrbuch für Numismatik und Geldgeschichte* 25: 107-111.
- VANDEN BERGHE, L., 1983. *Reliefs rupp-estres de l'Iran Ancien*, Bruxelles.

“Contents”

Article

Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II Bruno Overlaet, Persian translated by Sajjad Bahramian	4
Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan Matteo Compareti, Persian translated by Shahin Aryamanesh	20
A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum Ali Norallahi	34
The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology S. Pradines, Persian translated by Mohsen Saadati	64
Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan Mohammad Farjami & Ali Asghar Mohmoodi Nasab	74
Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen Ali Asghar Mahmoodi Nasab & Esmaeil Marofi Aghdam	103

Obituary

Robert Henry Dyson Arshak Iravanian	120
---------------------------------------	-----

Critique and Book Review

Decline and Fall of the Sasanian Empire ... Arshak Iravanian	121
--	-----

Reports

Memordom of Reza Mostofi Fard	125
First International Conference of the Society of Iranian Archaeology: “Cultural Interactions, Continuity and Disruption”	131
Seventeenth Annual Sympoaium on the Iranian Archaeology	136
Statement by the Society for Iranian Archaeology	142



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 2, No.3, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:
| Dr Shahin Aryamanesh |
Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569
 www.iranvarjavand.ir
 Iranvarjavand@hotmail.com
 +98 9395969466

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by
| Tissaphernes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 2 | No. 3 | Autumn & Winter 2020



ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan
- ◆ Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen
- ◆ A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum
- ◆ Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II
- ◆ Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan
- ◆ The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology